

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Iran's M.

afgazad@gmail.com

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۳ مارچ ۲۰۲۱

هنر نزد «رهبر» است و بس!

واقعا جامعه ما یک جامعه عجیب و غریبی نه تنها در منطقه بلکه در جهان است. جامعه‌ای که دچار تناقضات و بحران‌های فزاینده‌ای است. هر چند عامل اصلی همه بحران‌ها و بدبختی‌های جامعه ایران جمهوری اسلامی است اما شهروندان جامعه را نیز نمی‌توان از این تناقضات مستثنی کرد.

سران و مقامات سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و در راس همه علی خامنه‌ای، برای سرپوش گذاشتن بر انبوهی از جنایات خود علیه بشریت، همواره دروغ‌های به اصطلاح شاذاری تحویل جامعه می‌دهند.

امروزه در دنیای جدید و عصر علم و تکنولوژی، باز هم متافزیک یکی از مسائل مورد توجه برخی افراد در سراسر جهان است. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیز مشاهده می‌شود که به ویژه علی خامنه‌ای رهبر این حکومت، بسیار علاقه دارد که حامیانش بگویند او قدرت «ماوراء الطبیعه» دارد!



ماوراء الطبیعه و یا مابعدالطبیعه معادل کلمه متافزیک است و به پدیده‌هایی خارج از بعد و جهان فزیکی اطلاق می‌شود. نیروی فرا طبیعی انسان یا قدرت فراطبیعی به بیان قدرت بیش از حد معمول نهفته در بدن انسان اشاره می‌کند و این و رای نیروئی است که به عنوان نیروی نرمال در بدن انسان وجود دارد.

پدیده‌های فرضی است که تابع قوانین طبیعت نیستند. طبق تعریف، یک مظاهر یا رویداد ماوراء الطبیعه مستلزم نقض قانون فزیکی است که گمان می‌رود به اشخاص غیر فزیکی نسبت داده شده‌است، مانند «خدایان، فرشتگان، شیاطین... و یا جادو و طلسم، و غیره. فلسفه طبیعت‌گرایی توضیح می‌دهد که همه پدیده‌ها از نظر علمی قابل توضیح هستند و چیزی فراتر از جهان طبیعی وجود ندارد و به همین ترتیب با شک و تردید به ادعاهای ماوراء الطبیعه نزدیک می‌شود.

از نظر تاریخی، قدرت‌های ماوراءالطبیعی برای تبیین پدیده‌های متنوعی مانند رعد و برق، فصول و حواس انسان مورد استفاده قرار گرفته‌اند که امروزه از نظر علمی درک می‌شوند. ماوراءالطبیعه در فرهنگ عامیانه و زمینه‌های مذهبی مطرح شده است.

موارد تاریخی مانند لایوس پاپ، واسطه مجارستانی وجود داشتند که ظاهراً در جلسات احضار روح خود، روح حیواناتی مانند مار را احضار می‌کردند. اما گفته می‌شود پس از جلسات احضار روح پاپ، حیوانات زنده و مرده متعددی در آن محل پیدا شدند که گواه تقلب او بودند. و پس از آن، مورد متاخرتر، جیمز هاردیک است که حقه‌های او هم برملا شده‌اند. هاردیک اعتراف کرد که آنچه انجام می‌داده حقه‌هایی بودند که در زندان یاد گرفته بود.

یکی دیگر از نمونه‌های برجسته، پیتر پاپف، کشیش تلویزیونی بود. همسر پاپف از یک فرستنده بی‌سیم و هدفون برای مخابره اطلاعاتی درباره شرکت‌کنندگان خطبه استفاده می‌کرد. اما پاپف ادعا می‌کرد که این اطلاعات را از طریق واسطه‌های ماوراءالطبیعه دریافت کرده است. پاپف، با این حربه‌ها به شهرت رسید و صاحب یک برنامه تلویزیونی در سطح ملی نیز شد که در جریان همین برنامه‌ها، درمان‌های معجزه‌آسایی را روی مخاطبان خود به کار می‌برد. افشاگری‌های زیادی در مورد تقلب‌های پاپف صورت گرفته، اما با وجود چنین مواردی، هنوز بسیاری هستند که به‌شدت به قدرت و توانایی‌های این دست جاعلان اعتقاد دارند. به‌عنوان مثال، براساس نظرسنجی موسسه گالوپ، بیش از یک چهارم مردم آمریکا به توانایی‌های فراجهان‌بینی و پدیده‌های ماوراءالطبیعه‌ای مانند پیش‌گویی آینده، حس ششم، روح و تسخیر باور دارند.

مطلب حاضر به مرور پاره‌ای از روایات جنجالی و عجیب و غریب سخن‌گویان جمهوری اسلامی، در مورد آیت‌الله خامنه‌ای اشاره دارد. روایاتی که تخیلات و تصورات حامیان خامنه‌ای و شخص او؛ به عنوان «مقام والائی» که بر تمام علوم و فنون و معارف مادی و معنوی جهان، آگاهی دارد و شایستگی تعیین تکلیف در هر موضوعی از ویژگی‌های خاص اوست!

در واقع در این بحث به اظهارات عجیب و غریب رهبر و سایر سران حکومت اسلامی می‌پردازیم. شماها اغلب قبل با اظهارات عجب و غریب و غیرواقعی سران جمهوری اسلامی آشنا هستید اما شاید کمتر شنیده باشید و یا بی‌خبر باشید که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران چه ادعائی کرده است؟ ادعاهائی که بیش‌تر شباهت به فیلم‌های فضائی - تخیلی هالیوود و از جمله به فیلم سوپرمن دارد.

خامنه‌ای در دیدار با جوانان و دانشجویان به اصطلاح بسیجی بر مباحث عبادی تأکید زیادی می‌کنند. او در دیداری که با شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس سراسری نماز در سال ۱۳۸۷ داشت، در خاطره‌ای درباره نماز این چنین گفته است: «امروز در کشور ما این جهات (نماز اول وقت) قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. شماها اغلب قبل از انقلاب را یادتان نیست. عجیب بود! هم این‌جا، هم بعضی جاهای دیگر.

ما عراق رفته بودیم، یک سفر عتبات مشرف شدیم، هر کار کردیم قطار برای نماز صبح، توقف نکرد؛ یعنی اصلاً نمی‌شد؛ جوری تنظیم کرده بودند که نمی‌شد و بنده مجبور شدم از اواخر قطار - که نزدیک ایستگاه یا اوائل ایستگاه بود - خودم را از پنجره ببندازم بیرون، که بتوانم نماز بخوانم؛ چون در داخل قطار کثیف بود و نمی‌شد نماز خواند. به هر حال، این چیزها هیچ رعایت نمی‌شد. حالا خیلی تفاوت کرده؛ منتها بیش از این‌ها انتظار هست. اهمیت نماز باید معلوم باشد.»

در حالی که درباره گرفتن روزه و خواندن نماز بحث‌ها و حدیث‌های زیادی وجود دارد که اجازه می‌دهند در شرایط خاصی مسلمانان روزه نگیرند و یا نماز نخوانند به ویژه در سفرها.

حامیان خامنه‌ای علاوه بر جایگاه «بی‌همتا و متفاوت او از انسان‌های دیگر» و احاطه رهبر بر همه مسایل ریز و درشت نه تنها ایران بلکه جهان در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، جمعیت‌شناسی، بهداشتی و درمانی ... و فقه و حکومت‌داری، حتی او را استاد علوم نظامی، شعر، ادبیات داستانی، سینما، تاریخ جهان، موسیقی ... معرفی کرده‌اند. واکنش‌ها به اظهارات خامنه‌ای در ممنوعیت استفاده از واکنش‌های آمریکائی و انگلیسی و فرانسوی کرونا در ایران، کماکان در رسانه‌های رسمی و غیررسمی ادامه دارد.

فارغ از بحث‌های مرتبط با واکنش، بخش مهمی از واکنش‌های اخیر، بر میزان صلاحیت علمی خامنه‌ای برای صدور چنین دستوراتی تمرکز داشته است. و طیف گسترده‌ای از دفاعیات رسانه‌ای حامیان رهبر، در قالب ادعاهائی راجع به قابلیت‌ها یا اطلاعات علی خامنه‌ای بوده است.

این شیوه دفاع، در ادامه همان رویه‌ای است که در بیش از چهار دهه اخیر، با انتشار «شهادت‌های» و «ادعاهای» عجیب و غریب مناقشه‌برانگیز در مورد دانسته‌ها، رفتار یا زندگی شخصی رهبر در جریان بوده و بعضاً، تا نسبت دادن معجزات به او هم پیش رفته است.

علی شیرازی مسؤول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در قرارگاه ثارالله گفته است: «مسئولان و فرماندهان رده اول نیروهای مسلح» معتقدند آقای خامنه‌ای در موضوعات نظامی «مطالبی را می‌دانند که ما نمی‌دانیم».

«آقا به علوم غریبه نیز آشنا هستند.» علاوه بر این‌ها در بخش بزرگی از تبلیغات حکومتی، علی خامنه‌ای به عنوان چهره‌ای معرفی می‌شود که - در حد دانشمندان و هنرمندان حرفه‌ای- بر علوم و هنرها تسلط دارد.

برای مثال، توصیف ۱۹ خرداد ۱۳۹۳ محمدحسین صفار هرنندی عضو منصوب رهبر در مجمع تشخیص و وزیر اسبق ارشاد از تسلط رهبر به تاریخ، علم رجال، شخصیت‌شناسی، ادبیات داستانی، رمان، سینما، شعر و موسیقی است. به ادعای او از جمله: «یک مرتبه ایشان به یکی از هنرمندان که موسیقی مقامی و این‌ها کار می‌کرده گفته‌اند که فکر می‌کنم ساز شما خوب کوک نیست. او می‌گوید نه آقا، سازم را تازه تنظیم کرده‌ام. اما آقا می‌گویند خیر. این هنرمند بعد می‌بیند که بله تنظیم سازش به هم خورده و کوک نبوده است.»

صفار هرنندی می‌افزاید: «من وقتی سینماگران را در دوره وزارت به خدمت ایشان برده بودم بعد از جلسه خیلی از اهالی سینما پیش من آمدند و گفتند ما خدا را شکر می‌کنیم کسی در جایگاه رهبری است که این قدر درباره سینما آگاهی دارد... وقتی که با شعرا حرف می‌زنند مثلاً وقتی به آن‌ها می‌گویند فکر نمی‌کنید اگر در فلان مصرع شما این کلمه را می‌گفتید، بهتر نبود؟ آن‌ها می‌فهمند با کسی طرف هستند که تا به این حد بر این حوزه تسلط دارد.»

محمدحسین صفار هرنندی، که در زمان دولت دهم بعد از صفار هرنندی وزیر ارشاد شد، در اظهاراتی همزمان با او در ۱۹ خرداد ۹۳ تاکید می‌کند وقتی شعرا به دیدن مقام اول حکومت می‌روند، «گاهی حضرت آقا پیشنهاد می‌دهند که یک کلمه یا عبارت (در شعری) عوض شود، پس از اصلاح، همگان از جمله خود شاعر اذعان می‌کند که شعر او لطیف‌تر و روان‌تر شده است.»

محمدحسین صفار هرنندی در توصیف دیگری از خامنه‌ای در ۱۹ خرداد ۹۳ به خبرگزاری فارس ادعا کرده که «آقای خامنه‌ای هرچه پا به سن گذاشته با نشاط تر و جوان‌تر است.»

او به علاوه، در خصوص «تسلط» رهبر به زبان‌های خارجی حکایت می‌کند: «حضرت آقا... عربی را که قطعاً تسلط دارند اما می‌دانم که در زبان انگلیسی نیز همین الان ایشان مجلات و ژورنال‌های خارجی را مستقیم بدون این‌که ترجمه را بگیرند، مطالعه می‌کنند.»

محمد حسینی وزیر ارشاد اسبق، حتی دامنه تمجید از رهبرشان را به ادبیات روسی می‌کشاند و تعریف می‌کند که «وزیر فرهنگ روسیه از سطح بالای اطلاعات رهبری از ادبیات و رمان‌های روسی تعجب کرده.»

در روایتی جداگانه در ۱۹ خرداد ۹۳، محمدحسین صفار هرندی از «یک صاحب‌نظر آمریکائی» نقل می‌کند که «در پنج ثانیه صحبت‌های این مرد، معادل بیش از پنج ساعت و راجی‌ها و پشت هم اندازی‌های سران ما، مطلب نهفته و از حقایق برخوردار است.» به بیان صفار هرندی در دیدارهای رهبر با سران کشورها «حضرت آقا راجع به تاریخ کشور آن‌ها با اشراف کامل و تسلط کافی صحبت می‌کند» و آن‌ها «واضح است که در برابر چنین پشتوانه‌ای کرنش و تواضع می‌کنند.»

در نمونه دیگری در ۱۳ خرداد ۱۹۹۳ به مناسبت بیست و پنجمین سال رهبری خامنه‌ای، محمود محمدی عراقی عضو انتصابی مجمع تشخیص داستان تعجب موسیقی‌دان‌ها را چنین تکرار می‌کند: «در ملاقاتی که موسیقی دانان و خواننده‌ها با مقام معظم رهبری داشتند، ایشان مفصل در مورد انواع موسیقی، ابعاد موسیقی، شکل‌ها و ردیف‌های آوازی صحبت کردند. آقای دکتر لاریجانی تعریف می‌کرد زمانی که سخنرانی تمام شد، تمام صاحب نظرانی که حضور داشتند حتی اشخاصی که خود صاحب سبک می‌باشند از اطلاعات وسیع ایشان، متحیر مانده بودند.»

علی شیرازی مسؤول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در قرارگاه ثارالله و نماینده سابق ولی‌فقیه در نیروی تروریستی قدس سپاه پاسداران، در ۱۶ خرداد ۱۳۹۶ خبر داد که رهبر بر مبنای توانائی‌های سینمایی خود، در کارگردانی فیلم «محمد رسول‌الله» مجیدی مجیدی دخالت داشته است: «این‌که یک کسی در این جایگاه بنشیند و بگوید فیلم پیامبر چگونه باید ساخته شود و سر صحنه فیلم بروند، موضوع عجیبی است.»

شیرازی با تاکید بر این‌که «در دنیا کسی مثل آقا در بحث مطالعه و کتاب‌خوانی نداریم»، روش اثبات خود را هم بیان می‌دارد: «تمام سران دنیا را جمع کنید و یک نفر مثل ایشان را بیآورید، من حرفم را پس می‌گیرم.»

او همچنین اطلاعات نظامی خامنه‌ای را از فرماندهان نظامی هم بیش‌تر می‌داند: «من پای صحبت مسؤولان و فرماندهان رده اول نیروهای مسلح نشسته‌ام آن‌ها می‌گفتند زمانی که یک گزارش را خدمت فرمانده کل قوا ارائه می‌دادیم و فکر می‌کردیم که بی‌نقص است ایشان ۱۰ ایراد به گزارش ما می‌گرفتند و ما می‌فهمیدیم که ایشان مطالبی را می‌دانند که ما نمی‌دانیم.»

محسن موسوی کاشانی، که از اوایل دهه ۷۰ از اعضای دفتر رهبری بوده، در ۳۱ خرداد ۹۳ گفته جایگاه علمی رهبر به خاطر تمایلش به «گمنام» ماندن شناخته شده نیست: «مقام معظم رهبری علی‌رغم تسلطی که بر علوم دینی و اسلامی دارند همواره دوست دارند گمنام باقی بمانند... به دلیل همین تواضع و فروتنی علمی رهبر معظم انقلاب، مراجع، احترام خاصی نسبت به معظم‌له قائل‌اند؛ چرا که کمتر کسی حاضر است مثل ایشان از مقام و نام، دل بکند.»

ظاهراً از جمله علومی که به روایت موسوی کاشانی، مهارت آیت‌الله خامنه‌ای در آن پنهان مانده «علوم غریبه و اسطرلاب» است: «روزی... آیت‌الله حسن‌زاده (آملی)، اسطرلابی را آوردند و درباره آن مطالبی را بیان کردند، مقام معظم رهبری نیز گاهی مطالبی می‌فرمودند و آیت‌الله حسن‌زاده قبول می‌کردند. ما به دلیل ناآشنائی به علم اسطرلاب متوجه نمی‌شدیم. از این‌جا معلوم بود که آقا به علوم غریبه نیز آشنا هستند.»

در راستای همین نوع ادعاها است که ۲۳ اردیبهشت ۹۸، ویدیوی منتشر شده از جلسه خامنه‌ای با شعرا - که در جریان آن، تلفظی ناصحیح را به عنوان تلفظ درست کلمه فرانسوی «کمپسیون» ذکر می‌کند- هیجان تعداد زیادی از مریدان رهبری را بر می‌انگیزد. تا جایی که حتی ده‌ها سایت با خبرگزاری حکومتی با تیتروائی همچون «تلفظ چند لغت فرانسوی با لهجه توسط رهبر انقلاب» به انعکاس این واقعه می‌پردازند.

در حقیقت طیفی از بزرگنمائی‌ها و ستایش‌های حامیان رهبر از او، به داستان‌هایی از دیدارهای خارجی او ارتباط دارند که نوعاً، از جانب اعضای دفتر رهبری بیان می‌شوند. از اظهارات ۱۴ دی ۸۹ محسن موسوی کاشانی(همان عضو دفتر که مدعی تسلط رهبر به «علوم غریبه» شده) که بی‌نظیر بوتو پس از نصیحت آقای خامنه‌ای در مورد رعایت حجاب «گریه و زاری» کرده، یا حکایت ۱۳ بهمن ۸۸ احمد مروی معاون سابق ارتباطات حوزوی بیت که ولادیمیر پوتین بعد از دیدار با علی خامنه‌ای به «خبرنگاری» در روسیه گفته «من مسیح را در رهبری ایران دیدم». خود خامنه‌ای هم هر از گاه مواضعی می‌گیرد که از قبول روایت‌های حاکی از «محبوبیت» او در غرب حکایت دارند. دو نامه ۱ بهمن ۹۳ و ۸ آذر ۹۴ خامنه‌ای خطاب به جوانان اروپائی و آمریکائی رسانه‌ای شده‌اند که در آن‌ها، خامنه‌ای می‌کوشد آن‌ها را به قبول دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در مسائل جهانی متقاعد کند. اگرچه، با وجود تلاش گسترده نهادهای حکومتی و مدافعان حکومت در فضای مجازی، و با وجود انتشار تعدادی مقاله و کلیپ و اجاره چند بیل‌بورد در کشورهای غربی، این دو نامه بازتابی در فضای افکار عمومی غرب نداشتند و قاعدتاً، «جوانان غربی» نیز از وجود چنین نامه‌های بی‌خبر هستند.

اما نهادها و رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران، صدها گزارش، تحلیل و کلیپ را در مورد «بازتاب‌های» نامه رهبرشان انتشار داده‌اند. این تبلیغات به‌شدت پرخرج تا به آن‌جا ادامه یافت که حتی رسانه‌های حکومتی، در نخستین و پنجمین سالگرد اولین نامه خامنه‌ای به جوانان غربی، به تبلیغات برای آن در حد یک اتفاق بزرگ تاریخ معاصر ایران پرداختند.

احتمالاً تعجبی ندارد که آیت‌الله خامنه‌ای در ۱ شهریور ۹۵، در بازدید از «نمایشگاه محصولات تبلیغی مرتبط با دو نامه به جوانان غربی» در تهران می‌گوید: «اول که بنده به این فکر افتادم و با دو سه نفر مشورت کردم در این‌که حالا نامه‌ای بنویسیم، به ذهن‌مان نمی‌رسید که این کار این مقدار گسترش و نفوذ و رونق پیدا کند؛ خدای متعال به این کار برکت داد.»

گوینده سپس، به بیان گزاره‌ای می‌پردازد که نشان می‌دهد متقاعد شده نامه‌های او به جوانان غرب، سرتاسر جهان را تحت تاثیر قرار داده: «گاهی یک کلمه حرف می‌زنید، خدای متعال این کلمه را در ذهن‌ها و اقطار عالم منتشر می‌کند؛ معنای برکت دادن این است.»

«بعضی وقت‌ها حل مسائل برایم دشوار می‌شود... راهی مسجد جمکران می‌شویم. بعد از راز و نیاز... احساس می‌کنم همان‌جا دستی از غیب مرا راهنمایی می‌کند... و مشکل بدین صورت حل می‌شود.» (نقل قول حسن نصرالله از خامنه‌ای) «مقام معظم رهبری به دیدار امام زمان نائل آمدند.» تمجیدهای حامیان خامنه‌ای، به کرات توأم با انتساب ویژگی‌های ماوراء الطبیعه به او هستند. روایت‌هایی که موضوع بخش مهمی از آن‌ها، ادعای ارتباط مقام اول حکومت با امام دوازدهم شیعیان است.

به عنوان نمونه در کتاب «آب، آئینه، آفتاب» در مورد خامنه‌ای که در سال ۱۳۸۸ از سوی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی منتشر شده، نقل قول حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان از خامنه‌ای چنین بازگو شده است: «من در اداره امور کشور بعضی وقت‌ها حل مسائل برایم دشوار می‌شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی‌شود، راه قم را پیش می‌گیریم و راهی مسجد جمکران می‌شویم. بعد از راز و نیاز با آقا (امام زمان)، من احساس می‌کنم همان‌جا دستی از غیب مرا راهنمایی می‌کند و من در آن‌جا به تصمیمی می‌رسم و مشکل بدین صورت حل می‌شود.»

در موضوعی مشابه، عباسعلی اختری نماینده مجلس خبرگان و امام جمعه وقت سمنان، در سخنرانی خود در ۲۴ تیر ۱۳۷۹ اعلام کرده بود: «رهبر با ارتباط با حضرت ولی عصر انقلاب اسلامی را رهبری می‌کنند و بارها مشاهده شد

به مسجد جمکران و قم رفتند و بعد از ارتباط و راز نیاز، با قوت قلب و با نیروی سرشار از ایمان و توکل به خدا به تهران بازگشتند.»

منتسبان به خامنه‌ای، ظاهراً بر این باورند که او بر اثر همین «ارتباط»، از آینده باخبر است. در همین زمینه نشریه رمز عبور، در ۳۱ خرداد ۱۳۹۳ به نقل از محسن موسوی کاشانی از اعضای قدیمی دفتر رهبری می‌نویسد آیت‌الله خامنه‌ای در مواردی خطاب به کسانی که از وضعیت فرهنگی کشور گلایه دارند بشارت داده: «به من گفته شده که آینده نزدیک از آن شماست، نگران نباشید.»

به گزارش رسانه‌های حکومتی، در جریان سفرهای خامنه‌ای به جمکران، غیر از راهنمایی گرفتن برای حل مشکلات مملکت، بعضاً کرامات دیگری هم رخ می‌دهند. مثلاً خبرگزاری تسنیم در ۱۳ خرداد ۱۳۹۳ داستان «یکی از طلاب خارجی» را نقل می‌کند که می‌گوید پس از ورود غیرقانونی به ایران مقیم مسجد جمکران شده تا این‌که امام زمان به خواب او آمده و گفته «فردا شب مقام معظم رهبری به جمکران خواهند آمد، مشکل خودت را بنویس و تقدیم ایشان کن.» فردا شب هم دقیقاً همین اتفاق افتاده و مشکل اقامتی او حل شده.

به طور کلی نقل روایت از افراد بی‌نام و نشان، در اظهارات مدعیان «ارتباط» آیت‌الله خامنه‌ای با امام زمان جایگاه ویژه‌ای دارد و در مواردی منجر به جنجال‌های رسانه‌ای نیز شده است.

برای نمونه کاظم صدیقی امام جمعه تهران در جریان مصاحبه‌ای تلویزیونی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ - از قول فردی که می‌گوید موفق به دیدار رو در رو با امام غایب شده و نظر او را در مورد آقای خامنه‌ای پرسیده- چنین نقل می‌کند: «پرسیدم آقا (امام دوازدهم)، حضرت آقا (رهبر) در نظر شما چه‌طور هستند؟ حضرت فرمودند ایشان از مابیند.» امام جمعه منصوب آیت‌الله خامنه‌ای، سپس در میانه ابراز احساسات مجری تلویزیون می‌افزاید: «به قدری این جریان من را شارژ کرده. ما رهبری داریم که قماش (از جنس) حضرت است.» بیان این ادعا از صدواسیما، البته در افکار عمومی و فضای مجازی خبرساز می‌شود.

کاظم صدیقی در اردیبهشت ۱۳۸۹ هم، از «یک آقایی» - که او را دارای توانایی‌های فوق بشری می‌داند- نقل می‌کند: «آقای خامنه‌ای گوهر پاکی است... به همین دلیل مکرر خدمت حضرت تشریف داشته است، ولی نشناخته.» صدیقی از قول این فرد خبر می‌دهد: «وجود مبارک امام زمان ارواحنا فداه در عرفات با اسم ایشان (رهبر) را دعا می‌کرده.»

در ۳۱ فروردین ۱۳۹۰، مهدی احدی از اساتید حوزه فاش می‌کند که کاظم صدیقی حتی در حضور مسؤولان ارشد نظام، به نقل از رضا بهاء‌الدینی از روحانیون قم که در سال ۷۶ درگذشت خبر داده است «مقام معظم رهبری به دیدار امام زمان نائل آمده.»

مهدی احدی فضای بیان این ادعا را چنین تشریح می‌کند: «جناب آقای صدیقی شب فاطمیه روی منبر در بیت ایشان (بیت رهبری) که آقای رئیس‌جمهور نشسته بود، آقای هاشمی بود، سران مملکتی بودند، قوه قضائیه، همه بودند، آقای صدیقی روی منبر این مطلب را گفت و آن را نتوانست تمام کند. همین که خواست تمام کند فریاد گریه جمعیت و حضار بلند شد.»

یک منصوب دیگر رهبر ایران یعنی محمد سعیدی امام جمعه قم، از این حد هم فراتر می‌رود و با ذکر این داستان در سخنرانی ۲ بهمن ۸۹ خود که علی خامنه‌ای موقع تولد حرف می‌زده، جنجال می‌آفریند.

او از قول «خواهر ناتنی» خامنه‌ای روایت می‌کند: «زمان ولادت رهبر انقلاب که رسید، ما را از اتاق بیرون کردند. قابله در اتاق داشت زمینه تولد این فرزند جدید را فراهم می‌کرد... یک مرتبه دیدم صدای قابله بلند شد که: علی

نگهدارت باشد... ما در را باز کردیم و رفتیم تو. گفتیم چه شد؟ گفت که این آقا- یعنی مقام معظم رهبری- وقتی می‌خواست از بدن مادر خارج شود، گفت: یا علی!»

کاظم صدیقی امام جمعه تهران، در سخنانی در بیت رهبری در حضور سران سه قوه اعلام کرده است: «مقام معظم رهبری به دیدار امام زمان نائل آمده.»

«آقا خانه همسر شهید را نظافت کردند.» بخش قابل‌توجهی از مدیحه‌سرایی اطرافیان در مورد خامنه‌ای، به «ساده‌زیستی» او اختصاص دارد و مجموعه‌ای از ادعاهای مرتبط، به‌غایت اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند.

مثلاً محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتری رهبری، در ۱ مرداد ۱۳۹۸ می‌گوید: «ما در کشوری زندگی می‌کنیم که رهبر آن زیر خط متوسط زندگی می‌کند» و در ۲۴ خرداد ۹۰، نقل قولی از او منتشر می‌شود که حاکی است: «آقا بعضی اوقات از من پول قرض می‌کنند... گاهی احتیاج پیدا می‌کنند، از من پول قرض می‌کنند تا بعد بتوانند قرض‌شان را بدهند.»

در یک ادعای مشابه در آبان ۹۱، هاشم رسولی محلاتی مسؤول وقت وجوهات و مسائل شرعی دفتر رهبری تعریف می‌کند: «غالباً ایشان مقروض است. حتی گاهی از پاسدارهای شخصی خودشان قرض می‌کنند. گاهی که نذورات را برایشان می‌برم، می‌بینم که مثلاً صدا می‌زنند: آقا رضا! بیا قرضت را پس بگیر.»

در ۱۵ مرداد ۱۳۸۷، در مجموعه‌ای تحت عنوان «تداوم آفتاب» -ضمیمه رایگان روزنامه جام جم- روایت می‌شود احمد مروی معاون وقت ارتباطات حوزه‌ای دفتر رهبری در منزل آیت‌الله خامنه‌ای افطاری «نان و پنیر و سبزی و حلوا» خورده و وقتی از خدمتکار منزل دلیلش را پرسیده، جواب شنیده: «خانواده حضرت آقا مشهد مشرف شده‌اند و قبل از رفتن یک قابلمه بزرگ از این حلواها درست کرده‌اند. به اندازه این سه چهار شب، افطارمان هر شب حلوا است و با حضرت آقا نان و پنیر و حلوا می‌خوریم.»

بر همین منوال علیرضا مرنندی رئیس تیم پزشکی رهبر، در ۱۱ اسفند ۱۳۹۸ طی مصاحبه‌ای مطول با روزنامه شهروند می‌گوید: «ایشان سال‌ها حتی یخچال هم نداشتند... نمی‌دانم دقیقاً تا چند سال پیش بود که ایشان یخچال نداشتند ولی این موضوع را آقای رفیق‌دوست تعریف می‌کرد.» البته خود محسن رفیق‌دوست، رئیس اسبق بنیاد مستضعفان، در کتاب خاطرات خود با عنوان «برای تاریخ می‌گویم»، ماجرای یخچال نداشتن آقای خامنه‌ای را شفاف‌تر بیان می‌کند: «ایشان در زمان ریاست جمهوری، در محل ریاست جمهوری زندگی می‌کردند، وقتی هم می‌خواستند از ریاست جمهوری به جایی که برای رهبری درست کرده بودیم، بروند، به من گفتند: من از یخچال این‌جا استفاده می‌کردم، یخچال ندارم.»

در یک توصیف کلی‌تر از وضعیت معیشتی مقام اول جمهوری اسلامی، محمدحسن رحیمیان از اعضای سابق دفتر رهبری در ۲۷ تیر ۹۵ می‌گوید زمانی از آقای خامنه‌ای پرسیده چه‌قدر حقوق می‌گیرد و «ایشان با نهایت تواضع فرموده‌اند: مگر من کاری می‌کنم که بابت آن حقوق بگیرم؟» احمد مروی معاون سابق ارتباطات حوزوی دفتر رهبری،

در ۱۵ مرداد ۸۷ خبر می‌دهد گذران زندگی رهبر از «نذوراتی است که مردم در مورد حضرت آقا انجام می‌دهند.» علیرضا پناهیان از سخنرانان مراسم مذهبی دفتر رهبری، در توضیحی مرتبط در ۱۸ شهریور ۹۹ ضمن رد اتهامات مالی‌ای که علیه شخص او مطرح شده توضیح می‌دهد: «مانند امام خمینی که هدیه‌ای زندگی می‌کردند و مقام معظم رهبری که با هدیه رفقای‌شان زندگی می‌کنند من هم این‌گونه زندگی می‌کنم.» (او می‌افزاید: «من اگر قرار باشد همه جزئیات زندگیم را بگویند مردم برایم اعانه جمع می‌کنند.»)

روایات مربوط به روش زندگی خامنه‌ای در شرایطی منتشر می‌شوند که بخشی از آن‌ها، نوعی مشابهت‌سازی با امام اول شیعیان را تداعی می‌کنند.

مثلا در روایتی مشابه با ماجرای معروف رسیدگی علی بن ابی طالب به بیوه زنی فقیر، مجله مبلغان (وابسته به حوزه علمیه) در بهمن ۸۲ تعریف می‌کند که «مقام معظم رهبری در دیدار از خانواده‌های شهدا، وارد منزل همسر شهیدی شدند که مریض بود و وضع خانه نابسامان بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن دستور به همراهان برای انتقال همسر مکرمه شهید به بیمارستان، خودشان در حیاط را می‌بندند و به نظافت مشغول می‌شوند.»

نشریه مبلغان، در داستان جداگانه‌ای که یادآور روایات «حضور قلب حضرت علی در نماز» است می‌نویسد زمانی در هنگام نماز خامنه‌ای و دیگران، «بزغاله‌ای وارد اتاق شده و شروع کرده به این طرف و آن طرف پریدن» و حواس همه پرت شده ولی او حتی متوجه حضور بزغاله در اتاق نشده. در دیگر خاطره تداعی‌کننده روایت پرهیز امام اول از خوردنی‌های گران، حیدر رحیمپور از غدی از دوستان خامنه‌ای در ۳ تیر ماه سال ۹۷ می‌گوید در جریان یک سفر رهبر به مشهد: «آیت‌الله خامنه‌ای آمدند خانه ما. برایش وقتی آجیل آوردیم، خندید و گفت: من آجیل نمی‌خورم. از وقتی رهبر شدم اصلا آجیل نخوردم.»

و البته علاوه بر مواردی از جنس فوق، طیف گسترده‌ای از ادعاهای مربوط به زندگی خامنه‌ای متوجه اعضای خانواده او هستند. مثلا ضمیمه «تداوم آفتاب» روزنامه جام جم، در ۱۵ مرداد ۸۷ به نقل علی اکبر طاهانی نماینده سابق مجلس می‌نویسد که همسر طاهانی در زمان جنگ روزی تصادفا همسر و فرزند خامنه‌ای را در مطب دکتر دیده و بعد، شنونده مکالمه‌ای مهم بوده: «دکتر پس از معالجه فرزند مقام معظم رهبری گفت: برای مداوای فرزندان روزی یک لیوان لعاب برنج به او بدهید. همسر مقام معظم رهبری گفت: ما چنین امکاناتی را نداریم... برنج کوپنی... کفاف خوراک ما را بیش از یک بار در هفته نمی‌دهد.»

مهدی احدی از اساتید حوزه علمیه قم هم در ۶ فروردین ۹۲، از «شخصی که خود را پزشک معرفی می‌کرد» نقل می‌کند روزی در مطب خانمی را به همراه فرزند بیمارارش دیده که بسیار شبیه رهبر ایران بوده و از خانم پرسیده آیا با آیت‌الله خامنه‌ای نسبتی دارد و جواب مثبت شنیده، و بعد پرسیده مگر آن‌ها پزشک مخصوص ندارند که جواب منفی شنیده. آقای احدی به نقل از پزشک می‌افزاید: «زمانی که رفتند، من دیگر نتوانستم به کارم ادامه بدهم. سرم را روی میز گذاشتم و بسیار گریه کردم.»

راوی بخش دیگری از جریانات مطب، علیرضا مردی پزشک مخصوص رهبر است که از جمله، در مصاحبه‌ای با نشریه شهروند در ۱۱ اسفند ۹۸ می‌گوید یکی از فرزندان آیت‌الله خامنه‌ای برای آوردن بچه بیمارارش به دکتر ماشین نداشته: «چند ماه قبل که یکی از همین آقاها بچه‌اش را (مطب) آورده بود، خودش پشت فرمان یک پیکان نشسته بود و ضمن صحبتی هم که می‌کردیم گفت ماشین را از یکی از دوستانم قرض گرفته‌ام و آمده‌ام.»

باز در تمجید از پسران رهبر، خبرگزاری فارس در ۱۱ آبان ۹۹، قسمتی از کتاب «پلاک ۱۴» نوشته علیرضا قزوه را در مورد سفر ۱۳۸۴ خامنه‌ای به استان کرمان منتشر می‌کند که حکایت دارد: «در سفری که با ایشان به شهری رفته بودیم، پیراهن یکی از فرزندان مقام معظم رهبری به قیر آغشته شده و بخشی از آن لک شده بود. پیراهنی نداشت که عوض کند.»

محمدحسین صفار هرندی از منصوبان رهبر در مجمع تشخیص تاکید دارد خامنه‌ای «هرچه پا به سن گذاشته با نشاط تر و جوان‌تر شده.»

«هیچ حرفی نمی‌زنم مگر آنکه دستور باشد.» تصاویر ساخته شده از خامنه‌ای در رسانه‌های رسمی، گذشته از کارکرد خود در تبلیغ شخصی رهبر، اجزای یک تصویر بزرگ‌تر برای توجیه نحوه حکومت‌داری او محسوب می‌شوند. در این تصویر کلان، علی خامنه‌ای نه یک سیاست‌مدار معمولی، که یک «ابرانسان» است که بر مبنای درجاتی بی‌مانند از علم، تقوا، بصیرت و حتی توانایی‌های فوق بشری، در جایگاه طبیعی تعیین تکلیف برای «همه چیز» قرار دارد. نتیجه این می‌شود که خامنه‌ای در مورد نوع واکسنی که مردم ایران باید بزنند (۱۹ دی ۹۹)، افزایش سرمایه‌گذاری در «طب سنتی» (۱۸ فروردین ۹۳)، کاهش «تدریس زبان انگلیسی» به دانش‌آموزان (۱۳ اردیبهشت ۹۵)، درج اسناد «لانه جاسوسی» در کتاب‌های درسی (۱۲ آبان ۹۵)، مصائب توسعه دانشگاهی «علوم انسانی» (۸ شهریور ۸۸)، مشکلات «کنسرت» در دانشگاه‌ها (۲۰ تیر ۹۴)، مضرات «سفرهای دانشجویی» به کیش (۲۶ آذرماه ۸۱)، نتایج تلویزیون تماشا کردن مردم تا «دیروقت» (۶ اردیبهشت ۹۵)، تعداد بچه‌هایی که مردم باید داشته باشند (۱۴ مرداد ۹۸)، محدودیت استخدام «سرمربی» خارجی (۱۶ مرداد ۹۸) و بسیاری از موضوعات جزئی و کلی دیگر اظهار نظر کارشناسی کند. حتی کار به جایی برسد که فرضا «حذف انتگرال» از کتاب‌های جدید ریاضی (روایت ۱۸ بهمن ۹۸ علی‌نوع علم رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) یا درج قصه‌های «طالبوت و جالوت» در کتاب‌های قدیم دینی (روایت ۷ شهریور ۹۴ غلامعلی حداد عادل از مولفان وقت متون آموزش و پرورش) در عمل به توصیه‌های رهبر اعلام شود.

همه این‌ها نیز در شرایطی است که وقتی آیت‌الله خامنه‌ای در مورد موضوعات مختلف اعلام نظر می‌کند، طبیعتاً انتظاری جز اطاعت مسئولان از نظرات خود ندارد. در تبیینی شفاف از این انتظار، حسن فیروزآبادی رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح در ۱۷ اسفند ۹۱ نقل می‌کند که رهبر در «گلابه» ای از مسئولان حکومتی گفته: «برخی می‌گویند فرمایشات فرمایشات، این چه حرفی است؟ من دارم دستور می‌دهم، هیچ حرفی نمی‌زنم، مگر آن‌که آن موضع و دستور باشد.»

در نهایت اما، فارغ از تمام این شواهد، ادعای رسمی خامنه‌ای این است که صرفاً به بیان رهنمودهای کلی می‌پردازد و در حیطه وظایف مسئولان دیگر دخالت نمی‌کند. او از جمله در ۲۴ مهر ۱۳۹۰، در پاسخ به کسانی که «دوست دارند بگویند فلان تصمیم‌ها بدون نظر رهبری گرفته نمی‌شود» می‌گوید: «مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند... در همه این‌ها رهبری نه می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد.»

اقتصاد ایران به دلایل مختلف به ویژه فساد سیستماتیک دولتی و اختلاس در حال فروپاشی است و مسئولیت این فروپاشی قبل از همه بر عهده شخص خامنه‌ای است که در همه امور کشور دخالت مستبدانه دارد. در حالی که هر روز تعداد بیش‌تری از مردم، حتی کسانی که شغلی دارند مانند کارگران، کارمندان و بازنشستگان به زیر خط فقر می‌روند و هزینه‌های زندگی برای آن‌ها غیرممکن و کمرشکن می‌شود. صدها میلیارد دلار اختلاس و فساد از سوی سران و مقامات و نهادهای سیاسی و قضائی و نظامی و وابستگان حکومت اسلامی، جامعه را به تنگ آورده است اما همچنان رهبری اجازه رسیدگی به بسیاری از پرونده‌های فساد را نمی‌دهد و فرمان «کش ندهید» صادر می‌کند. در عرصه سیاست عملاً هیچ اقدامی جز با فرمان شخص رهبر صورت نمی‌گیرد. چرا که در راس همه این فاسدان اقتصادی و سیاسی و نظامی خودش و بیت او به ویژه مجتبی خامنه‌ای پسرش قرار دارند.

در حوزه اجتماعی آزادی و برابری نیز به‌ویژه موقعیت زنان و حجاب اجباری به صحنه کشمکش دایمی و بی‌پایان میان حاکمیت و اکثریت زنان تبدیل شده اما خامنه‌ای معتقد است کسانی که از حجاب اختیاری سخن می‌گویند: «همان خطی را دنبال می‌کنند که دشمن با آن همه خرج نتوانسته است آن خط را در کشور به نتیجه برساند.»

خامنه‌ای، همواره عوامل دانشگاهی حکومت را به شناسائی دشمن ترغیب کرده است. او گفته آموزش بسیاری از علوم انسانی در دانشگاه‌ها باعث بی‌اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی می‌شود. او همچنین شمار استادان معتقد به «جهان‌بینی اسلامی» در دانشگاه‌ها را کم ارزیابی کرده است.

او گاه و بی‌گاه در دیدار با شماری از استادان، اعضای هیات‌های علمی و روسای دانشگاه‌ها نگرانی‌های خود را از تدریس رشته‌های علوم اجتماعی بیان کرده است.

در سال‌های اخیر خامنه‌ای تحصیل حدود دو میلیون نفر از سه و نیم میلیون دانشجو در ایران در رشته‌های علوم انسانی را مایه نگرانی دانسته است: «زیرا توانائی مراکز علمی و دانشگاه‌ها در زمینه کار بومی و تحقیقات اسلامی در علوم انسانی و همچنین تعداد اساتید مبرز و معتقد به جهان‌بینی اسلامی رشته‌های علوم انسانی در حد این تعداد دانشجو نیست.»

او از آموزش بسیاری از علوم انسانی در دانشگاه‌ها ابراز نارضایتی کرده و گفته است: «بسیاری از علوم انسانی مبتنی بر فلسفه‌هائی است که مبانی آن‌ها مادی‌گری و بی‌اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی است و آموزش این علوم موجب بی‌اعتقادی به تعالیم الهی و اسلامی می‌شود و آموزش این علوم انسانی در دانشگاه‌ها منجر به ترویج شکاکیت و تردید در مبانی دینی و اعتقادی خواهد شد.»

خامنه‌ای از مراکز تصمیم‌گیری از جمله دولت، مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی خواسته به این موضوع رسیدگی کنند.

او در این سخنان همچنین خواستار «تعبد و تدین بیشتر» دانشجویان و جوانان شده زیرا به گفته او، در این صورت «عمل، رفتار و فکر آن‌ها از آسیب کمتری برخوردار خواهد بود و جامعه، بهره بیشتری از آنان خواهد برد.» او گفته که: «قطعا انتظاری که از اساتید دانشگاه‌ها در این جنگ و مبارزه نرم می‌رود فراتر از انتظاری است که از دانشجویان وجود دارد.»

او استادان را «فرماندهان جبهه جنگ نرم» خوانده و تاکید کرده است: «فرماندهان این جبهه باید با شناخت مسائل کلان، شناسائی دشمن و کشف اهداف او، طراحی کلان انجام دهند و براساس این طراحی حرکت کنند.» به این ترتیب، در هر حالتی فکر و ذهن خامنه‌ای به جنگ و خشونت و سرکوب و سانسور و دشمنی با علم و دانش بشری معطوف است!

در ادامه چنین تصاویری است که مثلاً وقتی کار اجرای سیاست‌های مورد حمایت خامنه‌ای به مشکل بر می‌خورد، حاضر به پذیرفتن مسئولیت نیست و خود را در جایگاه یک ناظر بی‌طرف جلوه می‌دهد. تا جایی که حتی پس از افزایش ناگهانی قیمت سوخت با حمایت مستقیم رهبر، و در میانه بزرگترین کشتار خیابانی در تاریخ جمهوری اسلامی، او در سخنرانی معروف ۲۶ آبان ۹۸، به تاکید منکر مسئولیت خود در وضعیت موجود می‌شود.

او مشخصاً می‌گوید: «وقتی یک چیزی مصوبه سران کشور هست، آدم باید با چشم خوش‌بینی به او نگاه کند، بنده در این قضیه سر رشته ندارم یعنی تخصص این کار را ندارم، گفتم هم به آقایان... من هم که صاحب‌نظر نیستم در این قضایا؛ گفتم من صاحب‌نظر نیستم لکن اگر سران سه قوه تصمیم بگیرند، من حمایت می‌کنم... گفتم من صاحب‌نظر نیستم در این قضیه لکن... مسؤولین کشور تصمیم گرفتند.»

به عبارت دیگر، گوئی با وجود توانائی‌ها یا کرامات نامحدودی که نهادها و رسانه‌های حکومتی به مقام اول حکومت نسبت می‌دهند، و با وجود تمام دخالت‌هایی که بر مبنای این تصویر در همه چیز - از واکسن و تدریس زبان گرفته تا ساعت خواب مردم و تعداد بچه‌هایشان از نرمش قهرمانانه گرفته تا جام زهرا سر کشیدن- صورت می‌گیرد، او مشکلی ندارد که در مواقع ضروری، حتی خود را یک قدرت «ماوراء الطبیعه» بداند!

جمعه بیست و دوم اسفند[حوت] ۱۳۹۹ - دوازدهم مارچ ۲۰۲۱